



گزارش نشست حکمرانی قضایی  
از سلسله نشست‌های سیاست‌گذاری  
عمومی و حکمرانی اسلامی؛

# حرف خوب داریم اما نظریه نداریم

مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا اقدام به برگزاری سلسله نشست‌هایی ذیل کنفرانس سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی کرده است. پنجمین جلسه از این سلسله نشست‌ها به موضوع حکمرانی قضایی اختصاص یافته که در سوم تیرماه ۱۳۹۹ در محل این مرکز پژوهشی برگزار شد. سخنرانان این نشست عبارتند از آقایان دکتر محمد روشن عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و دکتر محمود حکمت‌نیا معاون حقوق مالکیت فکری وزیر دادگستری و دبیری نشست به عهده آقای دکتر علیرضا باباخان بود. آنچه در ادامه خواهید خواند اهم مباحث این نشست است:

و مشروع و کارآمد توسط افراد دارای نقش معین در راستای تأمین عدالت به اجرای حکم می‌پردازد.»

## اصل بیستم؛ شاه‌بیت حکمرانی قضایی

دکتر محمد روشن عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در ادامه در بیان نسبت قضاوت و حکومت گفت: «ما قضاوت را تلاًؤ حکومت می‌دانیم چرا که حتی در صورت عدم رضایت متداعیین هم حکم در مورد آن‌ها اجرا می‌شود. فرق حکومت استبدادی از غیراستبدادی در این است که حکام خود را مقید به قانون نمی‌دانند اما در حکومت‌های غیراستبدادی قانون حکم فرماست. اصل بیستم قانون اساسی شاه‌بیت حکمرانی قضایی صحیح است. آن کسی که حمایت مندرج در این اصل را اعمال می‌کند نظام قضایی است.»

هستند و از این رو اگر یک مشکل را پیگیری کنیم مثلاً می‌بینیم دفتر دادگاه مشکلی داشته است و نه دادرسی.»

## نظام قضایی؛ احیاکننده حقوق

حکمت‌نیا معاون وزیر دادگستری افزود: «حقوق برای زنده ماندن نیازمند نظام قضایی است. به همین خاطر اولین ویژگی که برای قاعده حقوقی عنوان می‌شود الزام‌آور بودن آن است و نظام قضایی تضمین‌کننده این الزام است. در نظام قضایی قواعد در یک سری فرآیندهایی جاری می‌شود و این فرآیندها مبتنی بر نقش‌هایی است از دفتر دادگاه تا دیوان عالی، نهادها و سازمان‌هایی دارد و قواعد مزبور در یک چارچوب منظم اعمال می‌شود. نظام قضایی در حقیقت یک ساختار نهادی معین است که در آن مسائل قضایی در یک فرآیند خردمندانه

## در نظام قضایی فرآیندها حاکم است

در ابتدای این نشست دکتر حکمت‌نیا پیرامون نظام قضاوت در صدر اسلام گفت: «براساس مطالعات من در صدر اسلام ما قاضی داریم اما نظام قضایی نداریم. در آن زمان قضات اشخاص مورد اعتمادی بودند که به تنهایی به حوزه‌های قضایی ورود کرده و حکم صادر می‌کردند. حکم آنان نیز توسط حکومت‌ها به رسمیت شناخته می‌شد. نهایت کاری که حکام انجام می‌دادند نصب قضات برای بلاد بوده است. مثلاً در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام ساختار قضایی به معنای امروزی وجود نداشته و بیشتر مبتنی بر شخص بوده است. قاضی نیز شخص مجتهدی بوده که براساس دریافت‌های خود قضاوت می‌کرده است. در این بین مردم نیز با اعتمادی که به فقها و مجتهدین داشتند به این افراد مراجعه می‌کردند. امروزه اما فرآیندها حاکم